

مقدمه ۲ : مجاز مشهور به چه معنی می باشد؟

با توجه به این که در پیدایش وضع تعینی به بحث از مجاز مشهور اشاره شده است لازم است آن را مورد بررسی قرار دهیم :
مرحوم میرزای قمی می نویسد :

«اللفظ ان استعمال فیما وضع له من حیث هو كذلك؛ فحقیقة و فی غیره لعلاقة فمجاز؛
و الحقیقة تنسب الى الواضع و فی معنی الوضع استعمال اللفظ فی شئ مع القرينة مکرراً الى أن
يستغنی عنی القرينة فیصیر حقیقة.
فالحقیقة باعتبار الواضعین و المستعملین فی غیر ما وضع له الى حد الاستغناء عن القرينة، تنقسم
الى اللغوية و العرفية مثل الشرعية و النحوية و العامة، و كذلك المجاز بالمقايسة.
و اعلم أن المجاز المشهور المتداول فی ألسنتهم المعبر عنه بالمجاز الراجح یعنون به الراجح علی
الحقیقة، یریدون به ما یتبادر به المعنی بقرينة الشهرة.
اما مع قطع النظر عن الشهرة فلا یترجح علی الحقیقة، و إن كان استعمال اللفظ فیہ أكثر، و
سیجیء تمام الکلام.
و اما المجاز الذی صار فی الشهرة بحيث یغلب علی الحقیقة و یتبادر و لو مع قطع النظر عن
الشهرة، فهو حقیقة كما بیّنا.»^۱

توضیح :

- (۱) معنای حقیقی تقسیم می شود به «وضعی» و «فی معنی الوضع»
 - (۲) آنچه مشهور به عنوان وضع تعینی بر می شمارند در کلام ایشان، «فی معنی الوضع» آمده است.
 - (۳) مجاز مشهور همان مجاز راجح است. و مراد آن معنای مجازی است که با قرینه شهرت بر معنای حقیقی رجحان یافته است. (و این برخلاف نظر شهید ثانی در تمهید القواعد و مرحوم محقق عراقی^۲ است).
 - پس استعمال لفظ در معنای مجازی مشهور هم با وجود قرینه است.
 - (۴) اگر معنای مجازی به حدی برسد که بدون شهرت هم بر معنای حقیقی غلبه یابد، حقیقت است و دیگر مجاز نیست.
 - (۵) ظاهراً همین نوع آخر، وضع تعینی است. (که در کلمات اصولیون به آن اشاره شده است)
- باید توجه داشت که برخی منکر مجاز مشهور شده اند. مرحوم میرزای شیرازی از این اشکالات جواب داده است و امکان

۱. القوانين المحکمة فی الاصول : ج ۱ ص ۵۴

۲. «لأنّ المجاز المشهور عبارة عن كلّ لفظ کثر استعماله فی المعنی المجازی إلى حدّ التكافؤ مع الحقیقة عند عدم القرينة أو حد الرجحان علی

اختلاف الآراء من دون هجر الحقیقة الأولى». بدایع الافکار : ج ۱ : ص ۳۷



آن را پذیرفته است.^۱

مقدمه ۳: بسیاری از اصولیون از جمله امام، وجود وضع تعینی را منکر شده اند؛ ایشان می نویسند:

«ثم إنَّ الوضع - على ما يظهر من تصاريفه - هو جعل اللفظ للمعنى و تعيينه للدلالة عليه، و هذا

لا ينقسم إلى قسمين لأنَّ التعيّن لا يكون وضعاً و جعلاً»^۲

تهذیب الاصول نیز در تقریر فرمایش ایشان می نویسد:

«و به يتضح بطلان تقسيمه إلى التعيّن و التعيّن، لأنَّ الجعل و التعيّن الّذى هو مداره، مفقود

فيه»^۳

در مقابل نیز گروهی همانند مرحوم آیت الله خوئی، وضع تعینی را پذیرفته اند:

«كما انه بذلك المعنى أيضا يصح تقسيمه إلى التعيّن و التعيّن، باعتبار ان التعهد و الالتزام

المزبور ان كان ابتدائياً فهو وضع تعيّن، و ان كان ناشئاً عن كثرة الاستعمال فهو وضع تعيّن»^۴

ما می گوئیم:

در ضمن تقریر بحث از کیفیت وضع گفتیم، موجوداتی که در عالم اعتبار عقلایی هستند، علل خاص خود را دارند که عبارت

است از جعل جاعل و موجوداتی که در عالم تکوین می باشند نیز، علل خاص خود را دارا می باشند و اینکه موجودی تکوینی

بتواند علت یک موجود اعتباری شود و یا علتی اعتباری بتواند موجودی تکوینی را پدید آورد، باطل است. با این حساب:

استعمال یک عمل تکوینی است و گفتیم که وضع یک امر اعتباری است. پس نمی توان گفت که کثرت استعمال باعث و علت وضع

باشد تا بخواهیم قائل به وضع تعینی شویم. و این سخن بر طبق مبنای جعل تعهد، جعل هوویت و مبنای مرحوم عراقی نیز جاری

است که آن مبانی نیز وضع را امری اعتباری می دانستند.

اما: چنانکه در برخی از عبارت ها دیدیم، برخی از بزرگان معنای حقیقی را اعم از وضعی و ما فی معنی الوضع دانسته اند،

حال جای این سؤال باقی است که الفاظ منقول (موضوعات تعینی) اگرچه دارای وضع تعینی نیستند ولی آیا دارای معنای حقیقی

هم نمی باشند؟

در این باره گفتنی است: اولاً: منکرین وضع تعینی می خواهند بگویند آنچه شما موضوع وضع تعینی می پندارید، موضوع

به وضع تعینی است یعنی در ضمن استعمالات یک نفر جعل علامیت کرده است.

ثانیا: اینکه آیا منقولات (ما فی معنی الوضع) بدون وضع تعینی هم حقیقت هستند، باید در ضمن بحث از حالات کلام

مطرح شود و اینجا (بحث وضع) جای بحث از آن نیست.

۱. تقریرات آیت الله المجدد الشیرازی / روزدري؛ ج ۱: ص ۸۰

۲. مناهج الوصول؛ ج ۱ ص ۵۷

۳. تهذیب الاصول؛ ج ۱ ص ۲۳

۴. محاضرات؛ ج ۱ ص ۴۹



نکته ۱: مرحوم آخوند در بحث از حقیقت شرعیه می نویسد :

«أن الوضع التعيينی كما يحصل بالتصریح بانشاء .. كما فی المجاز»

توضیح :

- ۱) وضع تعینی گاه با تصریح به انشاء پدید می آید و گاه به وسیله استعمال
- ۲) نوع دوم به این صورت است که واضع لفظ را در معنای مورد نظرش استعمال می کند چنانکه گویی از قبل بر این مطلب وضع شده است و نحوه استعمالش به نوعی است که نمی خواهد با قرینه مجازی مطلب خود را برساند.
- ۳) واضع باید برای این نوع وضع، قرینه ای بگذارد تا دیگران بفهمند که متکلم در مقام وضع کردن است.

